

مجموعه مباحث اخلاقی

شناخت منعم شکر است و مزید نعمت

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۲۳ آبان ماه ۱۳۸۶

۳ ذی القعدة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين .

« إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك وأعجزني عن إحصاء
ثنائك فيض فضلك وشغلني عن ذكر محامدك ترادف عوائدك
وأعياني عن نشر عوارفك توالي أياديك وهذا مقام من اعترف
بسبوغ التّعماء وقابلها بالتّقصير ، وشهد على نفسه بالإهمال والتّضييع
وأنت الرّؤوف الرّحيم البرّ الكريم ، الذي لا يخيب قاصديه ولا يطرد
عن فنائه آملية بساحتك تحطّ رجال الرّاجين وبعرصتك تقف آمال
المستردفين فلا تقابل آمالنا بالتّخيب والإياس ولا تلبسنا سر بال
القنوط والإبلاس إلهي تصاعر عند تعاضم آلائك شكري وتضائل في
جنب إكرامك إياي ثنائي ونشري جلتني نعمك من أنوار الإيمان حُلا
وضربت عليّ لطائف برك من العزّ كلالاً وقلّدتني منك قلائد لا تحلّ
وطوّقتني أطواقاً لا تُفلّ فالآئك جمّة ضعف لساني عن إحصائها
ونعمائك كثيرة قصر فهمي عن إدراكها فضلاً عن استقصائها فكيف لي
بتحصيل الشكر ، وشكري إياك يفتقر إلى شكر فكلمًا قلت لك الحمد

وَجِبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدَ إِلَهِي فَكَمَا غَدَّيْتَنَا بِلطْفِكَ وَرَبِّيْتَنَا
بصنعِكَ فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سِوَابِغَ النِّعَمِ وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ وَآتِنَا مِنْ
حِظْوِظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا عَاجِلًا وَآجَلًا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حَسَنِ
بِلَائِكَ وَسِوَعِ نِعْمَائِكَ حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرَكَ
وَنِدَاكَ يَا عَظِيمَ يَا كَرِيمَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^(۱).

بارالها! پی در پی بودن بخششت مرا از شکرگزاری غافل کرده، و بارش مدام
فضل تو مرا از شمردن ستایشت غافل کرده، و پشت سر هم بودن برکاتت مرا
از یادآوری ستودنیهایت باز داشته، و دستگیریهای متوالی تو مرا از بخش و
نشر نیکوئیهایت ناتوان کرده است. و این جایگاه کسی است که اقرار می‌کند
به وفور نعمتهایت، و کوتاهی کرده است در برابر نعمتهایت، و گواهی می‌دهد
بر خودش به سستی کردن و ضایع نمودن، و توئی مهربان بخشنده نیکوکار
احسان بخش، آنکه محروم نکند اراده کننده‌اش را، و رانده نشود آرزومندش
از آستانش، به آستان تو فرود آید بارهای امیدواران و به میدان تو می‌ایستد
امیدهای عطا جویان، پس روبرو مگردان آرزوهای ما را به نومیدی و یأس، و
میوشان بر ما لباس ناامیدی و یأس را. پروردگارا! شکر من در مقابل
نعمتهای بزرگ تو بسیار ناچیز و حمد و ثنای من در قبال اکرام و عنایتت
بسی نا قابل است و نعمتهایت انوار ایمان مرا بزیورهای مجلل بیاراسته و
لطائف جود و کرمت تاج عزت بر سرم نهاده و احسانیهایت رشته علاقه‌ای و

۱- مناجات خمسة عشر- مناجات الشاکرین .

طوقهای شرافتی بر گردنم افکنده که دیگر گشوده نگردد و آن قدر نعمتهایت فراوان است که زبانم از شمارش ناتوان و به حدی بسیار است که فهم از ادراکش قاصر است تا چه رسد که همه را بتواند گرد آورد، پس من چگونه توانم شکر آن نعم را بجای آورم و حال آنکه شکر تو گفتن نیز یکی از نعمتهای توست و شکری بر آن لازم است پس من هر چه حمد و شکر تو گویم، بر آن نیز باید حمد و شکری دیگر بگویم، ای خدا! چنانکه ما را در اوّل به لطف خود غذا دادی و در مهد حکمت و صنعت پرورش دادی، پس نعمتهای بی حدّت را بر ما به اتمام رسان و ناگواریهای انتقامت را دفع گردان و به ما در دو عالم حظّ و بهره‌ای بالاتر و بزرگتر کرامت فرما، زود و پایدار، و ستایش مخصوص توست بر ابتلاء و آزمایش نیکویت و وفور نعمتهایت آن گونه ستایشی که پسند توست و احسان و عطای بزرگ‌تر را بر ما قرار می‌داری پروردگار بزرگ! باکرم و احسان به حقّ رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

محبّت، لازمهٔ شناخت نعمت؛

در جلسات گذشته فراهایی از مناجات شاکرین را توضیح دادیم. همچنین آموختیم که چگونه باید در برابر ذات ذوالجلال ربوبی سر تعظیم فرو آوریم و او را سپاس و شکر گوئیم.

امام سجاد علیه السلام در این مناجات، در مقام عبد شکوری هستند که خداوند متعال را سپاس و حمد می‌نمایند و به ناتوانی خود در این امر اعتراف

می‌کنند. از فرمایشات امام زین العابدین علیه السلام نکات مختلفی آموختیم. مهمترین و اساسی‌ترین مطلب این بود که برای شکر نعمت نخست باید نعمت را شناخت. شناخت و معرفتِ نعمت، ما را به سوی شکرگزاری از نعمت سوق می‌دهد. از طرف دیگر چون ساختار و طبیعت سلیم و منزّه از انحراف انسانی به گونه‌ای است که منعم و محسن را دوست می‌دارد، محبت ذات اقدس ربوبی در دل انسان جای می‌گیرد.

به عبارت روشن‌تر هنگامی که قوه تعقل و درک انسان بارور می‌گردد، در می‌یابد که هیچ نقص و خللی در نظام آفرینش وجود ندارد. همه وجود در یک سیر طبیعی و منطقی قرار دارد و البته نعمتهای دیگری هم، به جز نعمت بزرگ نظام آفرینش، پیرامون انسان را فرا گرفته است. شناخت و معرفت این نعمتها، حس کنجکاوای انسان را تحریک می‌کند تا بفهمد این نعمتها از آن کیست و چه کسی این همه نعمت به او ارزانی داشته است. انسان با تکیه بر فطرت سلیم و هدایت انبیاء علیهم السلام در می‌یابد که سرچشمه همه نعمتها از خداوند متّان است؛ بنابر این بنده شاکر کسی است که با معرفت به نعمتهای الهی، مهر و محبت منعم را در دل جای داده باشد و هنگامی که بنده به این مرحله رسید شاکر می‌شود. او دیگر به خود اجازه نمی‌دهد که بر خلاف میل و اراده منعم رفتار کند و همواره در تلاش و تکاپو است که رضایت او را جلب نماید.

صفات فعل الهی:

سخن که به اینجا می‌رسد وجود مبارک سید الساجدین علیه السلام دریچه جدیدی به سوی معرفت الهی در مقابل دیدگان ناتوان از درک حضرت حق (جلّ و علا) می‌گشاید. ایشان خداوند را با اوصافی همچون رؤف، رحیم، برّ و کریم می‌خوانند که در لسان متکلمین به آن اوصاف «ذات التعلّق» یا همان «صفات فعل» می‌گویند.

متکلمین در یک تقسیم بندی صفات خداوند را به دو بخش تقسیم می‌کنند؛ «صفات ذات» و «صفات فعل»؛ «صفات ذات» صفاتی هستند که برای تصوّر آنها نیازی به تصوّر غیر نیست و مستقیماً به ذات باری تعالی حمل می‌شوند؛ مثل «حیاة، علم و قدرت».

قسم دوّم، «صفات فعل» می‌باشد که به صفاتی گفته می‌شود که توصیف ذات حضرت حقّ به آنها متوقّف بر فرض چیزی غیر از ذات خداوند است، و چون هر چه غیر از ذات خداوند باشد، فعل او است به این صفات، «صفات فعل» می‌گویند؛ بنابر این برای تصوّر صفات فعل خداوند، حدّ اقل باید دو طرف - یعنی خالق و مخلوق - فرض شود. با این توضیح می‌توان صفاتی چون رازقیّت، خالقیت و امثال آن، که جز از راه تصوّر فعل خداوند شناخته نمی‌شود را صفت فعل دانست.

از جمله صفات فعل الهی، صفاتی است که امام العارفین، حضرت سید

الساجدين ﷺ در این مناجات عاشقانه، خداوند را به آنها می‌خواند. مسلماً تا کسی وجود نداشته باشد که مورد رأفت، رحمت و تکریم الهی قرار گیرد، این اسامی در ذات خداوند تجلی و ظهور پیدا نخواهند کرد. سپس امام ﷺ با جملاتی کوتاه اما سرشار از معانی این اوصاف را شرح می‌دهند و می‌فرمایند:

« لا یخیب قاصدیه ولا یطرد عن فئاه آملیه، بساحتک تحط رحال الراجین و بعرصتک تقف آمال المسترفدین، فلا تقابل آمالنا بالتخیب والایاس ولا تلبسنا سربال القنوط والایلاس ».

خداوندا! تو همان پروردگار رؤفی هستی که هیچ کس از درگاه تو نا امید و محروم بیرون نیامده و هیچ امیدواری از درگاه تو رانده نشده است.

خداوندا! مسافران کوی امیدواری، رحل به درگاه تو افکنده‌اند و بر آستان ملکوتی تو ایستاده‌اند. ای رحیم! اینان به امید عنایت، کرم و نیکی تو، دست نیاز به سویت دراز کرده‌اند و به جز درب خانه تو، در دیگری را نمی‌زنند.

خداوندا! با این اوصاف که از تو سراغ داریم، از کرم و رأفت تو به دور است که ما را سرافکنده و مأیوس کنی و جامه حُزن و اندوه بر ما بیوشانی.

سپاس‌های بی‌ارزش:

« إلهی تصاغر عند تعاضم الآئک شکری، وتضائل فی جنب إکرامک إیائی ثنائی ونشری ».

خداوندا! در مقابل بزرگنمایی نعمتهای تو، شکر من بسیار کوچک می‌نماید و در کنار اکرام تو به من، حمد و شکر من و انتشار آن بسیار بی ارزش و ناچیز است.

نکته دیگری که ممکن است گریبانگیر بندگانی شود که خود را شاکر خداوند می‌پندارند، این است که گاه این توهم به آنها دست می‌دهد که شکر خداوند را با اعمالشان به جای آورده‌اند؛ چند رکعتی نماز خوانده‌اند و چند صبحی روزه داری کرده‌اند. احتمالاً دروغ هم نگفته‌اند و غیبت کسی را هم نکرده‌اند و کلیه حقوق شرعی را ادا کرده‌اند؛ خلاصه اینکه هر چه را که یک بنده صالح باید انجام دهد، کرده‌اند و شکر خداوند را به بهترین وجه انجام داده‌اند.

امام سجاد علیه السلام با این عبارت بسیار لطیف و دلنشین - که هرگز ممکن نیست بر زبان انسان عادی جاری گردد - در نهایت ظرافت، درس بزرگی برای رهپویان طریق حقیقت، در همه اعصار و قرون بر جای می‌گذارند. ایشان با این بیان به بندگان هشدار می‌دهند که مبادا مردم فریضه چند روز بندگی ناقص خود شوند؛ زیرا نعمت و رحمت خداوند آنقدر گسترده است که اگر بنده‌ای شبانه روز شکر گزار آنها باشد هنوز یک از هزار آن نعمتها را شکر نکرده است. دیگر اینکه پذیرش شکرهای کم و بی ارزش بندگان، منتهی دیگر است که خداوند بر بندگان نهاده که زبان از شکر آن ناتوان است.

ایمان، زیبایی و عزّت:

« جَلَّلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حَلَلًا » .

نعمت‌های تو، از انوار ایمان لباس بزرگی و رفعت بر من پوشانده‌اند.

« حَلَّةٌ » در لغت به معنای لباس می‌باشد^(۱).

در این فراز دعا، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: خدایا! ایمانی که به تو دارم نیز از نعمت‌های توست. این ایمان همانند جامه‌ای نورانی و زیبا است که به تن دارم.

نعمت‌های الهی را می‌توان از یک لحاظ به نعمت‌های آشکار و مخفی تقسیم نمود. بسیاری از نعمت‌هایی که خداوند به ما عطا فرموده است را دیگران نمی‌بینند و به آن واقف نیستند. وظیفهٔ بندگان این است که نعمت‌های پنهان خداوند را با زبان و یا به هر روش دیگری که می‌توانند بیان کنند تا دیگران آگاه گردند. نعمت‌های آشکار و ظاهر هم که نیازی به بیان ندارند؛

بیان نعمت و اظهار آن برای دیگران خود نوعی شکرگزاری محسوب می‌شود تا جایی که یکی از آداب دعا این است که قبل از اینکه درخواست جدیدی از محضر حضرت حق سبحانه و تعالی داشته باشیم، نعمت‌هایی را که خداوند پیش از این به ما عطا فرموده است را یک به یک بشماریم و این‌گونه اعتراف کنیم که هر چه تا به حال داشتیم همه از آن او بوده و هر چه را نیز بعد از این به دست آوریم لطف اوست.

۱- مفردات غریب القرآن، صفحهٔ ۱۲۸.

مثلاً نعمت زیبایی یکی از بهترین نعمتهای آشکار الهی است و چه

زیبایی بالاتر از ایمان؟

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«حَسَنَ وَجْهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ حَسَنِ عِنَايَةِ اللَّهِ بِهِ»^(۱).

زیبایی چهره مؤمن، عنایت ویژه الهی به اوست.

«وَضَرَبَتْ عَلِيَّ لَطَائِفَ بَرَكَ مِنْ الْعِزِّ كَيْلًا».

بارها! نیکی های ظریف و دقیق تو تاج عزت بر سرم نهاده.

ایمان، تاج عزت مؤمن است. خداوند سبحان این تاج را بر سر ما

نهاده است؛ نشانه آن هم این است امروز شیعه در عین مظلومیت و در میان

طوفان بلایا، خواب راحت را از چشم مستکبران عالم گرفته است، و هیچ

سخنی مستندتر و محکم تر از مبانی شیعه در جهان وجود ندارد.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^(۲).

عزت مخصوص خدا و رسول صلی الله علیه و آله [و مؤمنان است ولی منافقان

نمی دانند.

با توجه به این مطالب است که امام سجاد علیه السلام می فرماید: ایمان

همچون لباس نورانی و زیبایی است که بر تن کرده ایم و تاج عزتی است که بر

سر نهاده ایم.

۱- عیون الحکم و المواعظ، صفحه ۲۲۸.

۲- سوره منافقون، آیه ۸.

سررشتهٔ ناگسستن:

«وقلّدتني منك فلائد لا تحلّ».

بارالها! منتها و الطاف تو یک قلاّده و سررشته‌ای است که بر گردن ما قرار دارد.

قلاّده دو معنا دارد، وسیله‌ای است که به گردن انسان یا حیوان می‌بندند و او را به هر جا که می‌خواهند، می‌کشند.

معنای دیگر آن نوعی گردنبد خاص و گران قیمت است که معمولاً زنان برای زیبایی در گردن می‌گذارند.

هر دو معنای فوق را می‌توان از فرمایش امام علیه السلام استظهار نمود. نعمتهای الهی همانند قلاّده‌ای است که در گردن ما قرار دارد و به هیچ وجه باز نمی‌شود و سررشتهٔ آن در دست ذات ذوالجلال ربوبی است. یا اینکه می‌توان گفت منتهای الهی، همچون گردنبد زیبایی است که در گردن ما قرار دارد و باعث جلوه‌گری و زیبایی ما شده است.

نعمتها و منتها؛

امام زین العابدین علیه السلام در این فراز از نیایش دربارهٔ نعمتها، واژهٔ منت را به کار برده‌اند. خداوند متعال به ما نعمتهای نامحدودی عنایت فرموده است، مانند نعمت وجود، سلامتی و آزادی، امنیت و... اما خداوند در مقابل

اعطاء این نعمات بر ما منت نگذارده است. نعمتهایی هم هستند که خداوند در مقابل اعطاء آنها بر ما منت نهاده است. برای شناخت این نعمات باید اندکی در آیات قرآن مجید تأمل می‌نماییم.

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^(۱).

خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت، که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، و البته پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

خداوند متعال در این آیه به دو نعمتی که بر آنها منت نهاده است اشاره می‌نماید؛ نعمت نخست، هدایت و ایمان است. خداوند متعال بر ما منت گذارده است که با ارسال رسل و بعثت انبیاء^{علیهم‌السلام} راه هدایت را به ما نمایانده است.

دومین نعمتی که خداوند سبحان، آدمیان را شایسته آن دانست این است که هدایت آنان از طریق افراد بشر صورت بگیرد. خداوند، ملائکه یا موجودات دیگر را برای هدایت آدمیان ارسال فرمود، بلکه به انسان این قابلیت و شایستگی را عنایت فرمود که بتواند افراد هم نوع خود و تمام موجودات دیگر را هدایت نماید.

﴿يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^(۲).

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲-سوره حجرات، آیه ۱۷.

آنها بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند، بگو اسلام آوردن خود را بر من منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می‌نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر در ادعای ایمان راستگو هستید.

خداوند متّان در این آیه نیز مانند آیه قبل بر اعطا نعم و آلاء معنوی بر ما منت نهاده است.

در آیه دیگری نیز آمده است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^(۱).

ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

خداوند متّان بر اساس این آیه نیز بر مستضعفین جهان منت نهاده است؛ چون به آنها خلافت و وراثت زمین را عنایت فروده است.

با تدبّر در آیات و روایات می‌توان استنتاج نمود که خداوند سبحان بر نعم مادی که به انسانها بخشیده است، منت نمی‌گذارد.

به طور خلاصه امام علیه السلام در این دو فراز می‌فرماید: خدایا! نعمتها و آلاء تو همانند قلاده و گردنبندی در گردن من است و سر رشته آن به دست توست که نمی‌گذارد منحرف و گمراه شوم. این فراز از دعا اشاره به نعم معنوی، چون ایمان و هدایت دارد.

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست

۱- سوره قصص، آیه ۵.

زبان ناتوان از شمارش:

« و طَوَّقْتَنِي أَطْوَأَفًا لَا تَفَلُّ ، فَالآنكَ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنِ إِحْصَائِهَا » .

و [نعمتهای تو] طوقی به گردنم انداخته که باز شدنی نیست . پس زبان من از

شمارش تمام نعمتهای تو ناتوان است .

امام سجاد علیه السلام نعمتهای خداوند را به طوقی تشبیه می‌کنند که

گسستنی نیست . انسان مؤمن تا آخر عمر پای بند ایمان خود می‌شود و

نمی‌تواند و نمی‌خواهد که از آن بگریزد ؛ به عبارت دیگر ایمان نعمتی است ،

که راه فرار و گریز به بدی و گمراهی را می‌بندد .

امام سجاد علیه السلام در ادامه سخن به گستردگی نعم الهی اشاره می‌کنند و

می‌فرمایند : پروردگارا ! آلاء تو فراوان و گسترده است و زبان ما توان شمارش

آنها را ندارد . به راستی چه کسی می‌تواند ادعا کند که از عهده شمارش

نعمتهای الهی بر می‌آید ؟ خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید :

﴿ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ

كَفَّارٌ ﴿١﴾ .

و از هر چیزی که از او خواستید به شما داد ، و اگر نعمتهای خدا را بشمارید ،

هرگز آنها را شماره نتوانید کرد . انسان ستمگر و ناسپاس است .

« وَنِعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصِرَ فِهْمِي عَنِ إِدْرَاكِهَا فَضِلًّا عَنِ اسْتِقْصَائِهَا » .

۱- سوره ابراهیم ، آیه ۳۴ .

[خدایا!] نعمتهای تو [آنقدر] زیاد است که فهم من از درک آن عاجز است چه

رسد به اینکه بخواهد آنها را شماره کند.

تذکر دیگری که امام سجاد علیه السلام در این فراز از دعا می دهند این است که نعمات خداوند به حدی فراوان است که حتی تعقل و درک آنها از محدوده دریافت بشری خارج است. شکی نیست که باید نخست نعمت‌ها را شناخت تا نوبت به شمارش آن برسد. اگر کسی نداند که چه چیزی دارد و چه چیزی ندارد، چگونه می‌تواند داشته‌هایش را به شمار آورد؟

امام علیه السلام در این عبارت آشکارا از شمارش نعمتها اظهار عجز می‌نمایند، که خود نوعی شکر محسوب می‌شود.

تسلسل حمد:

« فکیف لی بتحصّل الشکر و شکری إیّاک یفتقر إلی شکر فکلّما قلت لك الحمد و جب علیّ لذلک أن أقول لك الحمد ، إلهی فکما غدّیتنا بلطفک و ربّیتنا بصنعک فتمّم علینا سوابغ النعم و اذفع عنا مکاره النقم . »

بارالها! چگونه تو را سپاس و شکر نمایم، حال آنکه بر این شکر کردن نیز شکری دیگر باید کنم، و هر حمدی که می‌گویم خود نیازمند حمد دیگری است. خداوندا! همچنان که از لطفت به ما غذا دادی - غذاهای مادی و معنوی - و در مهد حکمت و صنعت پرورش دادی، پس نعمتهای فراوانت را بر ما به اتمام رسان و ناگواری‌های انتقامت را دفع گردان.

با تأمل در روایات اهل بیت علیهم السلام به این مطلب می‌توان پی برد که منظور از شکرگزاری لزوماً، شکر زبانی نیست؛ هر چند که شکر زبانی یکی از مراحل مهم شکر می‌باشد، بلکه همین که بنده بداند که تمام نعمتها از آن خداوند است و اوست که تمام نعمتها را بر او ارزانی داشته است، بهترین شکرگزاری را نموده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« من أنعم الله عليه بنعمة فعرها بقلبه وعلم أن المنعم عليه الله فقد أذى شكرها وإن لم يحرك لسانه »^(۱).

هر کس که نعمت خداوند را حقیقتاً (با قلب) شناسد و بداند که این نعمت از جانب خدا است، به درستی که شکر آن را به جا آورده است هر چند که سخنی بر زبان جاری نسازد.

بنده‌ای که شکور و سپاسگذار نباشد لا جرم کفور خواهد بود؛ و اولین عذابی که خداوند بر بنده کفور نازل می‌کند این است که او را از داشتن نعمت کفران شده محروم می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام چه زیبا می‌فرماید:

« إحدروا نفار النعم »^(۲).

از گریختن نعمتها بر حذر باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

۱- تحف العقول، صفحه ۳۶۹.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار.

«أسرع الذنوب عقوبةً كفران النعمة»^(۱).

کفران نعمت گناهی است که سریعترین کیفر را دارد.

نشر و بیان نعمات الهی:

وظیفه دیگری که ما به عنوان بندگان بر عهده داریم این است که باید نعمات الهی را ابراز و اظهار کنیم؛ چون به فرموده قرآن آشکار کردن و بیان نمودن نعمتهای خداوند مٓان لازم است.

﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾^(۲).

و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن.

بازگو کردن نعمتهای پروردگار ثمرات و فوایدی دارد.

یکی از ثمرات ابراز و نشر نعمات این است که موجب ترغیب و تشویق محسن و منعم می‌گردد. البتّه خداوند متعال متّزه از آن است که نیاز به تشویق داشته باشد، ولی شکر نعمت حتّی اگر به صورت قلبی باشد، نشان از آن دارد که بنده قابلیت و شایستگی دریافت نعمت را دارد و به آنها معرفت دارد. همین امر موجب می‌گردد که خداوند مٓان نعمتهای او را افزایش دهد. در مقابل عدم سپاس و کفران نعمت، موجب زوال و سلب آن می‌شود. اگر چنین شد این قطع نعمت از ناحیه و جانب خود فرد صورت گرفته است که

۱- امالی شیخ طوسی، صفحه ۴۵۰.

۲- سوره ضحی، آیه ۱۱.

عدم قابلیت و شایستگی خود را با کفران نعمت نمایان کرده است. ما همواره باید از خداوند متعال بخواهیم که نعمتهایش را بر ما افزون گرداند و اگر شایستگی و قابلیت دریافت نداریم، آن را در ما ایجاد کند.

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت، از کفت بیرون کند

خداوند متعال هم در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^(۱).

و هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر

شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

اگر از بُعد تربیتی هم به این مسأله نگاه کنیم، در می‌یابیم که انسان بخشنده و جواد، هنگامی که مورد تکریم و شکر قرار می‌گیرد، تشویق می‌شود و شخص بخیل هم وقتی تکریم و احترام مردم نسبت به انسانهای کریم را می‌بیند، تشویق و تحریک می‌شود که صفت نا پسند بخل را کنار گذارد و کریم و بخشنده شود.

فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک:

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر در رابطه با تشویق شجاعان و دلاوران که موجب تشویق دیگران می‌شود چنین مرقوم فرموده‌اند: « واصل في حسن الثناء عليهم وتعديد ما أبلى ذوو البلاء منهم، فإنَّ

۱- سوره ابراهیم، آیه ۷.

كثرة الذِّكر لحسن أفعالهم تهزّ الشجاع وتحزّض النّاكل إن شاء الله»^(۱).

ستایش نیکو را برای آنان پی در پی انجام بده، و آزمایش، آزمایش شدگان [و کارهای ارزشمند آنها] را به شمار بیاور، زیرا یادآوری فراوان اعمال نیکوی نیکوکاران، انسان دلاور را به هیجان می آورد و شخص عقب نشسته را تحریک می کند، انشاء الله.

شکر از اسباب و وسایل نعم:

علاوه بر اینکه باید همیشه از منعم حقیقی که ذات اقدس ربوبی است تشکر کنیم، باید از کسانی هم که به وسیله آنان نعمتهای الهی به دست ما رسیده است نیز سپاسگذاری نماییم.

رسول الله ﷺ می فرماید:

«يؤتى بعبد يوم القيامة فيوقف بين يدي الله (عز وجل) فيأمر به إلى النار، فيقول: أي رب أمرت بي النار وقد قرأت القرآن! فيقول الله: أي عبدي! إنني أنعمت عليك فلم تشكر نعمتي، فيقول: أي رب! أنعمت عليّ بكذا فشكرتك بكذا... فيقول الله: صدقت عبدي إلا أنك لم تشكر من أجريت لك نعمتي على يديه»^(۲).

در روز قیامت بنده ای را در برابر پروردگار قرار می دهند و دستور می رسد که او

۱- نهج البلاغه عهد نامه مالک اشتر، نامه شماره ۵۳.

۲- امالی شیخ طوسی، صفحه ۴۵۰.

را در آتش بیندازند، بنده می‌گوید: پروردگارا! مرا به جهنم می‌بری حال آنکه قرآن می‌خواندم، خداوند می‌فرماید: شکر نعمتهایم را به جا نیاوردی، بنده می‌گوید: شکر نعمتهایت را این‌گونه بجا آوردم [و چگونگی شکر را توضیح می‌دهد]، خداوند متعال در پاسخ می‌فرماید: راست می‌گویی اما تو از کسانی که نعمتهایم به وسیله آنان به دست تو رسید، تشکر نمودی.

شاعر نیز می‌گوید:

در قیامت بنده را گوید خدا هین چه کردی آنچه دادم من تو را؟
گوید: ای رب! شکر تو کردم به جان چون ز تو بود اصل آن روزی و نان
گویدش حق: نه نکردی شکر من چون نکردی شکر آن اکرام فن
بر کریمی کرده‌ای ظلم و ستم نه زدستی او رسیدت نعمتم^(۱)

اما بندگان خالص خداوند متعال و آنانی که در مکتب رسول الله ﷺ تربیت شدند هرگز انتظار شکر و سپاس از کسی ندارند؛ زیرا احسان و نیکی به دیگران را جز وظایف و واجبات خود می‌پندارند.

«الکریم یری مکارم أفعاله دیناً علیه یقضیه»^(۲).

انسان کریم سیرت نیکو و اعمال شایسته را وظیفه‌ای برگردن خود می‌داند.

بالترین نعمت، فیر دنیا و آفرت:

صرف نظر از متون آیات و روایات، شکر و سپاس ایزد متان، میزان معرفت انسان به حضرت حق را نشان می‌دهد. شناخت و معرفت نعمت،

۱- مثنوی معنوی، دفتر ششم ابیات ۳۲۶۲-۳۲۵۹.

۲- غرر الحکم، حدیث ۹۷۶۴.

پیوند انسان را با بارگاه ملکوتی خداوند متعال تقویت می‌کند و این تقویت موجب دوری انسان از معصیت و نافرانی می‌گردد.

اگر نیمه شبی از خواب شیرین و سنگین بر خیزیم و از زبان امام سجاد علیه السلام مناجات شاکرین را بخوانیم، به لطافت و ظرافت این مناجات بیشتر و عمیق‌تر پی خواهیم برد.

«و آتنا من حظوظ الدارين أرفعها وأجلها عاجلاً و آجلاً».

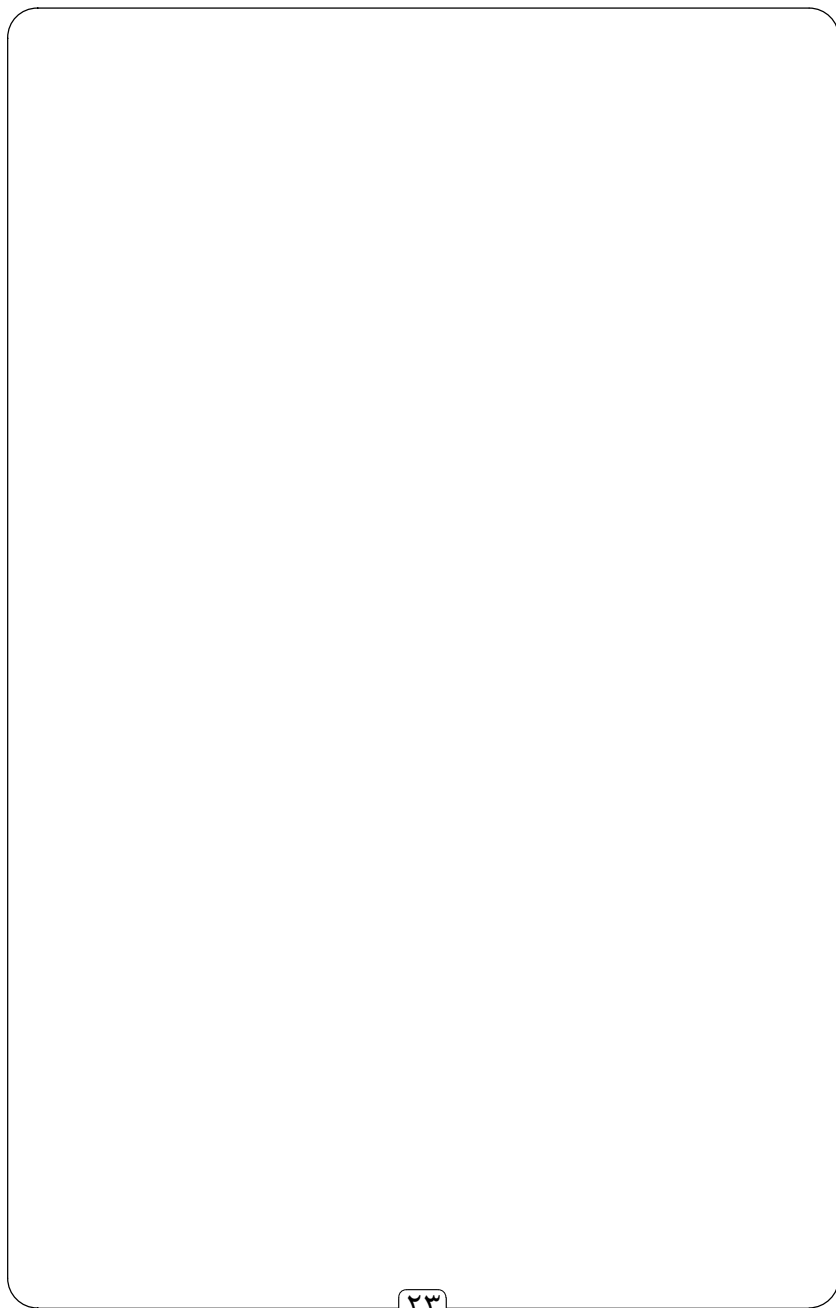
خداوندا! بهترین و بالاترین نعمتهای دنیا و آخرت را زود و دانم و پایدار نصیب ما بفرما.

باید همیشه از خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را درخواست نمایم. روزی دوستی به نزد من آمد و گفت: می‌خواهم به مکه مشرف شوم و این سفر اول من می‌باشد. به نظر شما از خداوند متعال چه چیزی درخواست نمایم؟ به وی گفتم: «از بزرگ باید حواجج بزرگ خواست؛ زن و بچه، خانه و مادیات نزد او امور بی ارزشی هستند. باید از خداوند معنویت و خیر دنیا و آخرت را طلب نمایی».

«ولك الحمد على حسن بلائك وسبوغ نعمائك حمداً يوافق رضاك ويمتري العظیم من برك ونداك يا عظیم ويا كريم برحمتك يا أرحم الراحمين».

حمد و ستایش مخصوص توست بر حسن آزمایشت و زیادی نعمتهایت، حمدی که موافق رضا و خشنودی تو است و برگیرد احسان بزرگ تو را، ای عظیم و ای کریم.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»



اخلاق: ۶۰

در روز قیامت بنده‌ای را در برابر پروردگار قرار
می‌دهند و دستور می‌رسد که او را در آتش بیندازند ، بنده
می‌گوید : پروردگارا ! مرا به جهنم می‌بری حال آنکه قرآن
می‌خواندم ، خداوند می‌فرماید : شکر نعمتهایم را به جا
نیآوردی ، بنده می‌گوید : شکر نعمتهایت را این گونه بسجا
آوردم [و چگونگی شکر را توضیح می‌دهد] ، خداوند
متعال در پاسخ می‌فرماید : راست می‌گویی اما تواز کسانی
که نعمتهایم به وسیله آنان به دست نرسید ، تشکر
نمودی . (صفحه ۲۰ از همین جزوه)

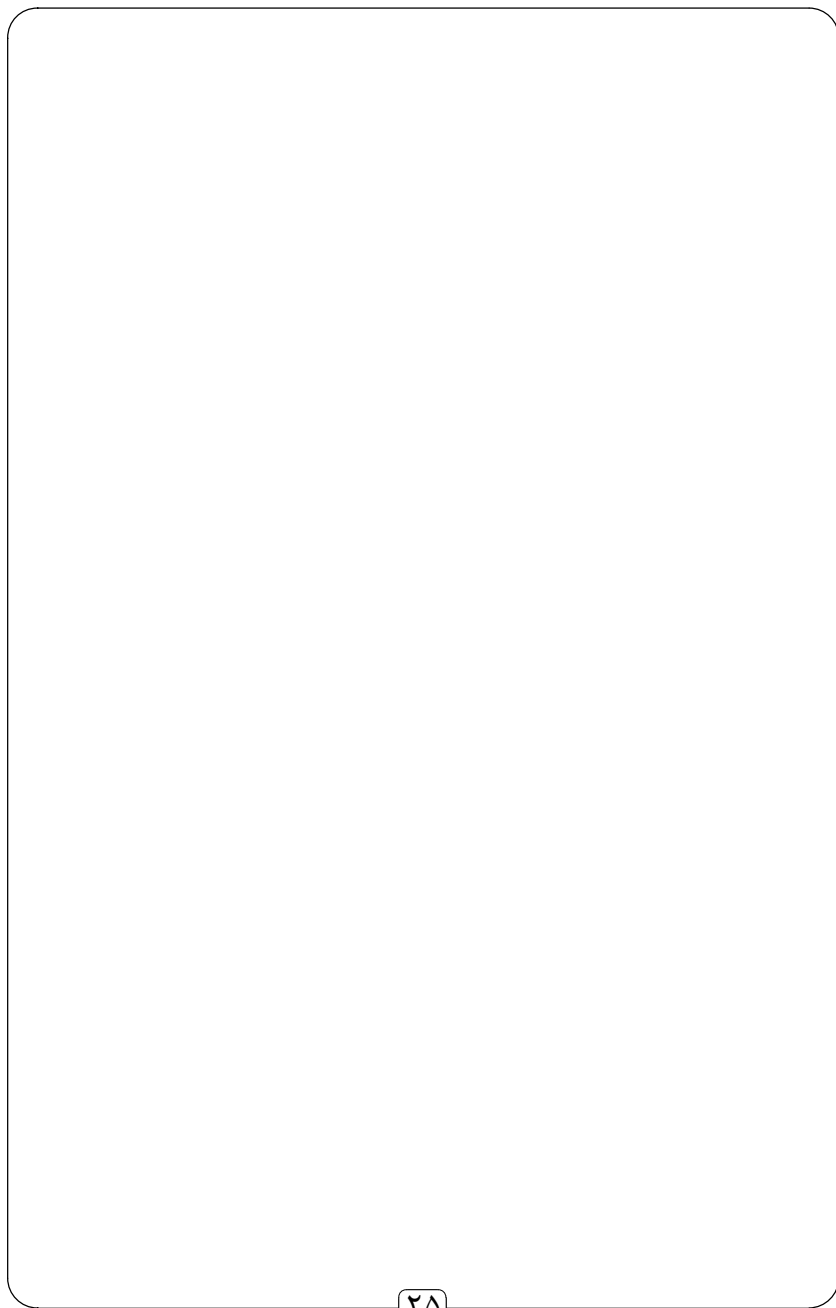
www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمایر ۷۷۴۳۹۱۹



اخلاق: ۶۰

۲۵